

جایگاه اصل احتیاطی در حقوق بین الملل محیط زیست

سیدفضل‌اله موسوی^۱، علیرضا آرش پور^۲*

چکیده

اصل جلوگیری از خسارات زیست محیطی به لحاظ منافع اقتصادی و هم‌چنین از جنبه‌های اکولوژیک قاعده‌ای طلایی محسوب می‌شود. بنا به دلایل فنی و حقوقی پیش‌رو، برقراری رابطه سببیت بین عمل زیانبار با صدمات وارد شده به محیط زیست با مشکلاتی همراه است و از طرف دیگر، به لحاظ ماهیت خاص محیط زیست جبران آسیب‌های وارد شده به آن غالباً غیرممکن و در صورت امکان مستلزم هزینه‌های گزاف و صرف زمان طولانی است. با عنایت به همین موارد، به‌کارگیری اصول نو محیط زیستی و از جمله اصل احتیاطی برای حفظ و حمایت از محیط زیست و مآلاً تقویت رویه بازدارندگی از اهمیت محوری برخوردار شده است. در این مقاله سعی بر آن است تا با پرداختن به این اصل، به تبیین موقعیت و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل محیط زیست پرداخته شود.

کلیدواژگان

اصل (۱۵) اعلامیه ریو، اصل احتیاطی، بازدارندگی، حقوق بین‌الملل محیط زیست، صدمات زیست‌محیطی.

۱. استاد گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسئول)

مقدمه

اصل احتیاطی (Precautionary Principle) از اصول مهمی است که در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست توسعه یافته و یکی از پایه‌های مهم بازاریابی محسوب می‌شود. هر چند رد پای اصل بازاریابی (Prevention Principle) در معاهدات زیست‌محیطی و دیگر اسناد بین‌المللی حداقل از دهه ۱۹۳۰ میلادی قابل ردیابی است؛ اصل احتیاطی مقوله‌ای است که از سال‌های میانی دهه ۱۹۸۰ در تعدادی از اسناد حقوق نرم و متعاقب آن در پاره‌ای از اسناد حقوق سخت متجلی شد (sands,2003:267). ظهور این اصل در حقوق داخلی کشورها سابقه طولانی‌تری دارد، به گونه‌ای که این مفهوم برای اولین بار در مقررات مربوط به محیط زیست آلمان و با نام (Vorosog e Prinzip) وضع و اعمال شد (Doum,a1996:419) و به تدریج در حقوق داخلی سایر کشورها رسوخ کرد. از آنجا که اصل احتیاطی به عنوان یکی از ارکان مهم بازاریابی در قبال ورود صدمات زیست محیطی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، لازم است تا در ادامه ضمن پرداختن به جایگاه این اصل در حقوق بین‌الملل به بررسی این نقش و چگونگی کارکرد آن در جهت حفظ و حمایت از محیط زیست بپردازیم.

شکل‌گیری اصل احتیاطی

اصل احتیاطی را می‌توان از جمله ملاحظات و ابتکارات اعلامیه ۱۹۹۲ ریو در خصوص محیط زیست و توسعه دانست.^۱ از طرفی محتوای این اصل به اشکال مختلف در قالب تعدادی از موافقتنامه‌های چند جانبه محیط زیستی و از جمله در پروتکل ۱۹۸۷ مونترال^۲ در خصوص مواد تخریب کننده لایه ازن، کنوانسیون^۳ ۱۹۹۲ در خصوص تنوع زیستی و همچنین معاهده ماستریخت^۴ ۱۹۹۲ به عنوان یکی از اصول مهم و نو در عرصه حقوق بین‌الملل محیط زیست مورد استناد قرار گرفته و تأکید شد که دستیابی به توسعه پایدار مستلزم آن است که سیاست و خط مشی‌های اتخاذی دولت‌ها در زمینه محیط زیست باید مبتنی بر رعایت اصول محیطی، زیستی و از جمله اصل احتیاطی باشد.

1. Rio Declaration on Environment and Development, 1992
2. Montreal Protocol on Substances that Deplete the Ozone Layer Montreal, September 16, 1987.
3. Convention on Biological Diversity, Rio de Janeiro, 1992
4. The Maastricht Treaty of European Union, 1992

تعریف اصل احتیاطی

اصل احتیاطی در مقررات داخلی کشورها و همچنین در اسناد بین‌المللی متعددی تعریف شده که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱. تعریف و کاربرد اصل احتیاطی در مقررات داخلی^۱

با رجوع به مقررات داخلی کشورها به محتوا و مفاد متفاوتی در خصوص اصل احتیاطی برمی‌خوریم، در این مقررات معمولاً برای تبیین اصل احتیاطی از واژه «تدابیر مؤثر» و اصطلاحاتی نظیر آن استفاده می‌شود که، به لحاظ ایجاد آستانه‌های متفاوت، ارائه تعریف واحدی از اصل احتیاطی را با مشکل روبه‌رو ساخته است (Hickey, 1997: 437). با این‌همه و با توجه به عوامل متفاوت می‌توان گفت: اصل و رویه احتیاطی در سطح داخلی به این مفهوم است که دولت باید در جهت حمایت از سلامت عمومی و محیط زیست اقدامات احتیاطی لازم را حتی در صورت فقدان هرگونه دلیل روشنی در خصوص وجود خسارت معمول داشته و هزینه این اقدامات را تقبل کند (Ibid, 1997: 437). علی‌رغم اختلافات موجود در خصوص تعریف و آستانه اصل احتیاطی، در رویه قضایی بعضی از کشورها، از قبیل هند، این اصل به عنوان بخشی از مقررات قابل اعمال تعریف و مورد پذیرش قرار گرفته است (Hey, 1994: 244). متعاقباً هند بعضی از کشورهای آسیایی از جمله مالزی، ویتنام و اندونزی صریحاً در قوانین ملی خود و به‌ویژه در زمینه تنوع گونه‌های زیستی اصل احتیاطی را مورد شناسایی قرار داده‌اند (Kumar, 2011: 5). در سطح قاره آفریقا نیز بعضی از کشورها از جمله موزامبیک و کامرون در متون حقوقی مرتبط با محیط زیست اصل احتیاطی را به‌طور روشن مورد استناد قرار داده‌اند، این اصل همچنین در مقررات زیست محیطی استرالیا عمیقاً ریشه دوانیده است (Ibid: 10). در قوانین ایران به‌طور مستقیم به اصل احتیاطی اشاره نشده است، مع‌الوصف ذیل اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اظهار می‌دارد: «فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». این اصل به نحو غیر مستقیم لزوم به‌کارگیری اقدامات احتیاطی را در انجام فعالیت‌هایی که باعث ورود آثار زیانبار به محیط زیست است، متذکر می‌شود.

۱. شایان توضیح است که در فصل اول سند ملی محیط زیست جمهوری اسلامی ایران و در بخش مربوط به اصول محیط زیست رعایت اصل احتیاط (ملاحظه مخاطرات) در تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر محیط زیست مورد تأکید قرار گرفته است.

۲. اصل احتیاطی در اسناد حقوق نرم

مطرح شدن اصل احتیاطی برای اولین بار در تعدادی از اسناد حقوق نرم (Soft Law) مطرح شد که مهمترین آن اصل ۱۵ «اعلامیه ریو» است. این اصل اظهار می‌دارد: «برای حفاظت از محیط زیست، دولت‌ها باید متناسب با امکانات خود تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمال کنند. در صورت خطر ورود صدمات شدید یا غیر قابل جبران، نبود دلایل قطعی علمی نباید بهانه‌ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر جهت پیشگیری از صدمه به محیط زیست شود (Kissand, 1994: 94). در عرصه بین‌المللی تعهد به اعمال اصل احتیاطی هم به صورت حکمی، که متضمن جنبه امری است و هم در پاره‌ای از موارد به عنوان جنبه غیر امری بیان شده است. در برخی از سیستم‌های حقوقی، مانند حقوق اتحادیه اروپا، اصل احتیاطی به عنوان یک الزام حقوقی مدنظر قرار گرفته است (Migu, el 2006: 5). علی‌رغم آنکه اصل ۱۵ از اعلامیه ریو این اصل را در وجه امری آن به کار برده است، اما به نوعی در بیان خود قائل به تخفیف شده و اظهار می‌کند: «اصل احتیاطی باید به‌طور گسترده توسط کشورها و متناسب با امکاناتشان اعمال شود» (Wybeth, 1996: 417). اساساً منظور از توانایی کشورها قابلیت اقتصادی و توانایی‌های تکنولوژیکی آنها در اتخاذ اقدامات احتیاطی است (Kumar, op., cit: 10). توجه به توان اقتصادی و قابلیت تکنولوژیکی کشورها در اعمال اصل احتیاطی مبین توجه به اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت به عنوان یکی از اصول نو زیست محیطی است. شایان توضیح است که علی‌رغم وجود اصل بنیادی حقوق بین‌الملل مبنی بر برابری حاکمیت‌ها که با همه کشورها صرف‌نظر از وسعت و قدرتشان یکسان رفتار می‌کند، حقوق بین‌الملل محیط زیست بر مبنای اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت بین کشورها، تمایز و تفکیک قائل می‌شود. این اصل در عین لحاظ کردن درجات متفاوت مسئولیت کشورها برای جبران خسارت‌های ناشی از صدمات زیست محیطی، در پی یافتن راه‌حلهایی جهت رفع نگرانی‌های موجود در مورد محیط زیست جهانی است.

۳. اصل احتیاطی و موافقت‌نامه‌های چندجانبه محیط زیستی

به‌رغم نبود معیاری واحد و قطعی در خصوص تعریف اصل احتیاطی، به‌کارگیری این اصل در قالب تعدادی از موافقت‌نامه‌های چندجانبه محیط زیستی مورد تأکید قرار گرفته است که از جمله می‌توان به موافقت‌نامه‌های ذیل اشاره کرد.

۱. پروتکل مونترال (۱۹۸۷) در خصوص مواد تخریب‌کننده لایه ازن^۱ که به موجب آن

1. Montreal Protocol on Substances that Deplete the Ozone Layer, Montreal, September 16, 1987.

طرف‌های این پروتکل حمایت از لایهٔ ازن را با اتخاذ اقدامات احتیاطی و در جهت کنترل مواد آلاینده‌ای که موجب فرسایش لایهٔ ازن می‌شود، متعهد می‌شوند.

۲. بیانیهٔ ریو (۱۹۹۲) در مورد محیط زیست و توسعه^۱، که به‌منظور حمایت از محیط زیست اعمال گستردهٔ رویهٔ احتیاطی را توسط کشورها و مطابق با توانایی‌هایشان مورد تأکید قرار می‌دهد.

۳. کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب و هوا^۲ (۱۹۹۲) که به موجب این کنوانسیون کشورهای عضو باید اقدامات احتیاطی را جهت پیش‌بینی، جلوگیری و به حداقل رساندن علل تغییرات آب و هوا و همچنین کاهش آثار مضر ناشی از آنها اتخاذ کنند.

۴. کنوانسیون ۱۹۹۲ در خصوص تنوع زیستی^۳ در این کنوانسیون به‌طور مستقیم به اصل احتیاطی پرداخته نشده اما به تغییر ناشی از صدمات جدی و غیر قابل برگشت اشاره شده و اظهار می‌کند: «جایی که تهدید جدی در خصوص نقصان و ضایعات محیط زیستی وجود دارد، در صورت فقدان قطعیت علمی دلیلی برای به تعویق انداختن اقداماتی جهت اجتناب از چنین تهدیدی، یا کاهش آن، وجود ندارد.»

۵. معاهدهٔ ماستریخت (۱۹۹۲)^۴ که سیاستگذاری اتحادیهٔ اروپا در زمینهٔ محیط زیست را با هدف حمایت وسیع از محیط زیست و بر مبنای اصل احتیاطی قرار داده است.

۶. پروتکل کارتاجنای در مورد سلامت زیستی^۵ هدف این پروتکل آن است که با مد نظر قرار دادن رویهٔ احتیاطی تضمین و حمایت مناسبی را از انتقال سالم، اجرا، بهره‌مندی و اصلاح ارگانیسم‌های حیاتی که ناشی از بیوتکنولوژی مدرن بوده و آثار سوء و مضر را بر حفظ و بهره‌گیری از تنوع گونه‌های حیاتی دارد، ارائه کند.

۷. کنوانسیون استکهلم (۲۰۰۱) در مورد آلاینده‌های شیمیایی پایدار^۶ هدف این کنوانسیون حمایت از سلامت بشری و محیط زیست در قبال آلاینده‌های شیمیایی پایدار است که این هدف با رعایت رویهٔ احتیاطی مندرج در اصل ۱۵ بیانیهٔ ریو که به‌طور ضمنی در مقدمهٔ این کنوانسیون نیز مورد اشاره واقع شده و همچنین از طریق پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های در دسترس امکان‌پذیر است.

2. Rio Declaration on Environment and Development, 1992.

1. United Nations Framework Convention on Climate Change New York, May, 9, 1992.

2. Convention on Biological Diversity, Rio de Janeiro, 1992.

3. The Maastricht Treaty of European Union, 1992.

4. Cartagena Protocol on Bio-Safety, 2000.

5. Stockholm Convention on Persistent Organic Pollutants. Stockholm, May, 22, 2001.

اصل احتیاطی و اعمال بهترین رویه‌های زیست‌محیطی

اجرای اصل احتیاطی مستلزم اعمال پاره‌ای از رویه‌ها از جمله بهترین رویه‌های محیط زیستی و بهره بردن از بهترین تکنولوژی موجود است. اعمال این رویه در کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط مورد توجه قرار گرفته است، برای مثال می‌توان به پاراگراف ۱۲ از ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۹۲ در مورد حمایت از محیط زیست دریایی منطقه بالتیک (کنوانسیون هلسینکی) اشاره کرد. این کنوانسیون اظهار می‌دارد که: «طرف‌های کنوانسیون اصل احتیاطی را باید اعمال کرده و اقدامات بازدارنده را زمانی که برای پذیرش این امر دلیل وجود داشته باشد که مواد یا انرژی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم وارد دریا می‌شود و می‌تواند برای سلامت بشر ایجاد خطر کرده و به منابع جاندار یا اکوسیستم دریایی صدمه وارد کند و همچنین باعث لطمه به مطبوعیت محیط زیست دریا یا سبب ایجاد مزاحمت در راه سایر استفاده‌های مشروع از دریا شود اتخاذ کنند. رعایت اصل احتیاطی حتی زمانی که هیچ مدرک قطعی مبنی بر رابطه سببیت بین مواد وارد شده در دریا و آثار ادعایی وجود نداشته باشد مورد تأکید این کنوانسیون قرار گرفته است. شایان ذکر است که در جهت اجرای بهینه اصل احتیاطی اطراف کنوانسیون موظفند تا به منظور رفع و منع آلودگی بهترین رویه محیط زیستی را برای همه منابع آلوده کننده و بهترین فناوری در دسترس را برای منابع آلودگی و در جهت به حداقل رساندن یا جلوگیری از ورود آنها به آب و هوا و به وسیله استراتژی‌های نظارتی بهره جویند (ضمیمه دوم کنوانسیون)».

جایگاه اصل احتیاطی در رویه کشورهای

کشورها در خصوص پذیرفتن احتیاط به عنوان اصلی از اصول حقوق بین‌الملل دارای اختلاف نظر هستند. برای مثال ایالات متحده آمریکا در قضیه EC Biotech خاطر نشان کرد که قویاً با این امر که احتیاط به یک قاعده حقوق بین‌الملل بدل شده باشد مخالف است، آمریکا همچنین اظهار داشت که: «اصل احتیاطی نمی‌تواند به عنوان یک اصل کلی حقوقی یا نرم حقوق بین‌الملل مورد ملاحظه قرار گیرد. دلیل این امر آن است که فرمول واحدی از این اصل که مورد موافقت کشورها قرار گرفته باشد وجود ندارد، از این روی ایالات متحده آمریکا معتقد است که احتیاط باید به عنوان یک رویه و نه به عنوان یک اصل در حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گیرد (Agn,e2009: 352).

در نقطه مقابل و در قضیه EC Hormones کشورهای اروپایی بر این باور بودند که اصل احتیاطی به عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی و یا حداقل به عنوان یک اصل کلی حقوقی مورد پذیرش واقع شده است (Ibid: 352). این در حالیست که بعضی از کشورها از جمله کانادا

در مقایسه با دو موضع حقوقی فوق‌الذکر دیدگاه متعادلی را اتخاذ کرده و بر این باور بود که «رویه احتیاطی» به عنوان یک اصل حقوقی در حال شکل‌گیری است که می‌تواند در آینده به عنوان یک اصل حقوقی توسط ملل متمدن شناسایی شده و بر اساس شق (ج) بند (۱) ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری متبلور شود. به نظر می‌رسد که شکل‌گیری اصل احتیاطی از این نظر با حاکمیت بر فضا و شناسایی آن توسط ۶۶ کشور و همچنین با قاعده دوازده مایل عرض دریایی سرزمینی به عنوان یک قاعده بین‌الملل عرفی که مورد شناسایی بیش از یکصد کشور قرار گرفته قابل مقایسه است. شایان توضیح است که با توجه به نظریات ارائه‌شده، نظریه کانادا مقرون به صحت است، زیرا با توجه به این امر که اصل احتیاطی به عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی، با شناسایی ۳۴ کشور در بیانیه برگن روبه‌رو شده با روندی سریع در حال شکل‌گیری است (Cameron, 1991:19).

اصل احتیاطی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری

اهمیت اصل احتیاطی در پاره‌ای از قضایای مطروحه نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله این قضایا می‌توان به طرح گابچیکوف ناجی ماروس، قضیه آزمایش‌های هسته‌ای زیرزمینی فرانسه و همچنین به دعوی اکوادور علیه کلمبیا مبنی بر سمپاشی هوایی در مجاورت با خطوط مرزی آن کشور اشاره کرد.^۱

۱. قضیه گابچیکوف ناجی ماروس

دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۷ رأی خود را در خصوص پرونده چکسلواکی - مجارستان صادر کرد. رأی صادره به دلیل مطرح کردن پاره‌ای از مسائل مربوط به محیط زیست از اهمیت زیادی برخوردار است، به‌گونه‌ای که پاره‌ای از صاحب‌نظران رأی صادره توسط دیوان در قضیه مذکور را به مثابه فوران حقوق بین‌الملل محیط زیست در رویه قضایی قلمداد کرده‌اند (هنجی، ۱۳۷۸: ۱۸۱). شایان ذکر است که طرح گابچیکوف ناجی ماروس به موجب معاهده ۱۹۷۷ بوداپست بین مجارستان و چکسلواکی آغاز شد و هدف از اجرای آن جلوگیری از وقوع سیل، اصلاح مسیرهای کشتیرانی، حفاظت از اکوسیستم دلتای جزیره و تولید برق بود. تنها بخشی از طرح و به‌تنهایی توسط اسلواکی اجرا شد، این در حالی بود که مجارستان به‌طور یکجانبه از ساخت واریانت C امتناع کرد و بدین لحاظ اختلاف ایجاد شده بین طرفین، نزد دیوان مطرح شد. مجارستان در دلایل ابرازی خود به اصل احتیاطی استناد کرد و اظهار داشت: «کشورها باید اقدامات احتیاطی را جهت پیش‌بینی و جلوگیری یا به حداقل رساندن خسارت به

1. Gabacikovo – Nagymaros Project (Hungary / Slovakia, I.C.J, Reports. 1997).

منابع فرامرزی دیگر کشورها اتخاذ و آثار زبان آور آنها را جایی که تهدیدهای جدی یا خسارت غیر قابل جبران وجود دارد کاهش دهند». مجارستان در ادامه ادعا کرد که بر اساس تعهد از پیش موجود که نباید موجب ورود خسارت به سرزمین کشور دیگر شود، این تعهد به دنبال اصل احتیاطی به عنوان یک تعهد ارگامنسی مطرح است. در پاسخ به ادعای مجارستان اسلواکی اظهار داشت: «هیچ‌یک از توسعه‌های صورت گرفته در زمینه محیط زیست که موجب تعهدات ارگامنسی است نمی‌تواند باعث لغو یا ابطال معاهده شود. مع الوصف اسلواکی هیچ‌گونه مخالفتی با اهمیت اصل احتیاطی یا لزوم اتخاذ اقدامات احتیاطی نکرد. بر این اساس دیوان استنتاج کرد که دو طرف موافق اتخاذ اقدامات احتیاطی بوده اما اساساً مخالف آثاری بودند که اتخاذ اقدامات احتیاطی می‌توانست بر اجرای طرح مشترکشان داشته باشد. به هر تقدیر دیوان در رسیدگی خود به این اختلاف بدون اشاره مستقیم به اصل احتیاطی این امر را مورد شناسایی قرار داد که در دهه‌های اخیر نرم‌ها و استانداردهای جدیدی توسعه یافته و در قالب اسناد متعددی مورد اشاره قرار گرفته‌اند، چنین نرم‌های جدیدی مطابق با دیدگاه دیوان بین‌المللی دادگستری «باید نه تنها زمانی که کشورها فعالیت‌های جدیدی را طراحی می‌کنند بلکه هم‌چنین در خصوص ادامه فعالیت‌هایی که از زمان گذشته شروع شده مورد ملاحظه قرار گیرند».

۲. قضیه آزمایش‌های هسته‌ای (۲) (دعوی نیوزیلند علیه فرانسه)

در این قضیه، نیوزیلند دادخواستی را علیه فرانسه مطرح و طی آن مدعی شد که اقدام فرانسه در انجام آزمایش‌های هسته‌ای زیرزمینی رفتاری غیرقانونی بوده و این اقدام باعث ورود مواد رادیواکتیو به محیط زیست دریایی شده است. مطابق با دیدگاه نیوزیلند اساساً فرانسه می‌بایست ارزیابی خطر ناشی از انجام چنین فعالیت‌هایی را با رعایت اصل احتیاطی صورت می‌داده و بر این مبنا فرانسه هم‌چنین متعهد بوده است پیش از انجام آزمایش‌های جدید هسته‌ای زیرزمینی‌اش معلوم دارد که مطابق با اصل احتیاطی که به‌طور وسیعی در حقوق بین‌الملل معاصر مورد پذیرش واقع شده است انجام چنین آزمایش‌هایی سبب ورود مواد رادیواکتیو به محیط زیست نشده است.

مع الوصف دیوان بین‌المللی دادگستری در این پرونده نیز ضرورتی برای ارزیابی موقعیت اصل احتیاطی در حقوق بین‌الملل ندید. این موضع دیوان در رأی مخالف قاضی ویرامانتری مورد انتقاد قرار گرفت. نامبرده از اینکه دیوان از فرصت به دست آمده برای مورد ملاحظه قرار دادن اصول حقوق محیط زیست، از جمله اصل احتیاطی و خاطر نشان کردن این امر که این اصل بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است استفاده نکرده است، افسوس خود را ابراز کرد. هرچند در رسیدگی به این پرونده سایر قضات بسیار محتاطانه عمل کردند، اما قاضی اختصاصی (Ad

Hoc)، آقای پالمر^۱، بر این باور بود که «در خصوص فعالیت‌هایی که ممکن است دارای آثار مهم زیست محیطی باشد هم اصل احتیاطی و هم ارزیابی پیامدهای زیست محیطی (Environmental Impact Assessment) باید اعمال و به مثابه یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی که مربوط به محیط زیست است تلقی شود» (Ibid.P: 346).

۳. اصل احتیاطی در دعوای اکوادور علیه کلمبیا

در دعوای اکوادور علیه کلمبیا که در سال ۲۰۰۸ نزد دیوان بین‌الملل دادگستری اقامه شد^۲، اکوادور ادعا کرد که کلمبیا با سمپاشی هوایی که جهت مقابله با آفت‌های گیاهی در مناطقی که نزدیک به خطوط مشترک مرزی با اکوادور قرار داشته، صورت داده باعث ورود خسارت به سلامت انسانی، محصولات کشاورزی و حیوانات شده و همچنین آلودگی شدیدی در محیط زیست این کشور، که دارای تنوع زیستی گسترده‌ای است، ایجاد کرده است. اکوادور ادعا کرد که اقدامات صورت گرفته توسط کلمبیا احتمال خطر ورود خسارت در آینده را گسترش داده و بر این اساس موجبات نقض هنجارهای عرفی و حقوق قراردادی را فراهم کرده است. اکوادور همچنین اظهار کرد که صدمات و تهدیدهای ناشی از آن دربردارنده پاره‌ای از آثار غیرقابل برگشت نسبت به محیط زیست بوده و این امر مؤید آن است که کلمبیا در اجرای تعهدات خود مبنی بر رعایت وظیفه بازدارندگی و رعایت اصل احتیاطی مرتکب قصور شده است (Ibid.P: 359). بنابراین، پرونده حاضر فرصتی بی‌بدیل را برای دیوان بین‌الملل دادگستری فراهم کرده است تا ضمن رسیدگی به دعوای مطروحه در روشن‌سازی محتوا، ارزیابی وضعیت و قابلیت اجرای پاره‌ای از هنجارهای عرفی حقوق بین‌الملل محیط زیست و از جمله اصل احتیاطی تأکید ورزد.

اصل احتیاطی از منظر علمای حقوقی

مباحث آکادمیک نیز توجهات خود را به جنبه‌های مختلف این اصل و تغییرات آن در حقوق بین‌الملل معطوف کرده و رویه کشورهای یا اعتقاد حقوقی (opinio juris) در این زمینه را مورد تفسیر قرار داده است (Brin ieand Boy,le1990:314). پاره‌ای از علمای حقوقی از جمله فیلیپ ساندز تأثیر مستقیمی بر رویه دادگاه‌ها و محاکم بین‌الملل در خصوص این اصل داشته‌اند^۳. در مجموع، علمای حقوقی بر این باور هستند که دلایل کافی وجود دارد که اصل

1. Palmer

2. Case Concerning Aerial Herbicide Spraying (Ecuador/Colombia), I.C.J. Rep.orts 2008.

۳. شایان توضیح است که پرفسور ساندز در اکثر پرونده‌های مطروحه نزد دیوان بین‌الملل دادگستری که واجد

احتیاطی به یک قاعده حقوقی عرفی تبدیل شده است. شایان توضیح است که فیلیپ ساندز در ملاحظات خود در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای (دو)، اصل احتیاطی را به عنوان یک اصل چالشی مورد ارزیابی قرار داد. هر چند ساندز خود را طرفدار پروپاقرص اصل احتیاطی می‌داند، اما بر این اعتقاد است که درک یکسانی بین کشورها و مفسران نسبت به مفاد این اصل وجود ندارد (Fitzmaurice 2001: 269). او به درستی خاطر نشان می‌سازد که این اصل به تفسیر دقیق‌تری نیاز دارد تا فعالیت‌ها یا موادی را که می‌تواند نسبت به محیط زیست خسارت وارد کند، تعیین و حتی در صورت فقدان شواهد و مدارک کافی علمی، در خصوص ورود یا احتمال ورود خسارت به محیط زیست، انجام آن فعالیت‌ها و یا استفاده از مواد را منع کند. هم‌چنین وی اظهار می‌کند که: «خصیصه بارز اصل احتیاطی یعنی انتقال و جابه‌جایی، با اثبات دلیل است. این اثبات بر عهده کسی است که مشتاق انجام فعالیتی است، چنین فردی باید اثبات کند که انجام فعالیت‌های مورد نظر موجب خسارت به محیط زیست نمی‌شود (Sands, 1998: 601). سرانجام ساندز در خصوص وضعیت حقوقی اصل احتیاطی بر این باور است که بنا به دلایل کافی و از جمله رویه دولت‌ها، تنقیح اصل احتیاطی در بیانیه ریو و تأکید بر کاربرد این اصل در کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی مؤید آن است که اصل احتیاطی مبدل به یک اصل حقوقی بین‌المللی شده است (Deloso, 2011: 9). هر چند علمای حقوقی دیگری از جمله بیرنیه و بویل و نیز ساسکیند صراحتاً بیان کرده‌اند که اصل احتیاطی هنوز بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی محسوب نمی‌شود (Ibid.: 9).

نتیجه‌گیری

با توجه به نبود معیاری واحد و قطعی در خصوص تعریف اصل احتیاطی، این اصل در تعداد زیادی از موافقتنامه‌های چند جانبه محیط زیستی به کار گرفته شده و از طرفی به اهمیت این اصل در قضایای مطروحه نزد دیوان بین‌المللی دادگستری، که دارای جنبه‌های محیط زیستی بوده، اشاره شده است. هر چند دیوان در رسیدگی به این قضایا ضرورتی برای ارزیابی موقعیت حقوقی اصل احتیاطی در حقوق بین‌المللی ندیده و از فرصت به دست آمده برای مورد ملاحظه قرار دادن اصول حقوق محیط زیست، و از جمله این اصل و خاطر نشان کردن این امر که اصل مذکور به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است، بهره لازم را نبرد، مع‌الوصف دیوان در قضیه گابچیکوف ناجی ماروس و در رسیدگی به این اختلاف، بدون اشاره مستقیم به اصل

جنبه محیط زیستی بوده و در آن به مسئله اصل احتیاطی پرداخته شده به عنوان مشاور یکی از طرفین دعوی حضور داشته است. برای مثال در قضیه Pulpmills دعوی آرژانتین علیه اروگوئه نامبرده مشاور اروگوئه بوده است.

احتیاطی، این امر را شناسایی کرد که در دهه‌های اخیر نرم‌ها و استانداردهای تازه‌ای در حقوق بین‌الملل محیط زیست توسعه یافته و در قالب اسناد متعددی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. مطابق با دیدگاه دیوان بین‌الملل دادگستری چنین نرم‌های جدیدی باید نه تنها زمانی که کشورها فعالیت‌های جدیدی را طراحی می‌کنند بلکه هم‌چنین در خصوص ادامه فعالیت‌هایی که از نو شروع شده، ملاحظه شود. این در حالیست که کشورها نیز در مورد پذیرش اصل احتیاطی به‌مثابه اصلی از اصول حقوق بین‌الملل، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. پاره‌ای از آنها اصل احتیاطی را به‌مثابه یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی، و یا حداقل یک اصل کلی حقوقی، مورد پذیرش قرار داده‌اند. از طرفی مخالفان این دیدگاه به دلیل آنکه فرمول واحدی از این اصل مورد موافقت کشورها قرار نگرفته، احتیاط را به‌عنوان یک رویه و نه به‌عنوان یک اصل در حقوق بین‌الملل شناسایی کرده و باعث شده‌اند تا اصل احتیاطی هم‌چنان به‌عنوان یک اصل چالش‌برانگیز مطرح باشد. علی‌رغم اختلافات موجود در خصوص موقعیت و جایگاه اصل احتیاطی در حقوق بین‌الملل محیط زیست این امر مورد تصدیق قرار گرفته است که اصل احتیاطی نتیجه تأثیر متقابل علم، فناوری و حقوق و تنظیم‌کننده مرحله پیش‌فعالیت است. لذا اختلاف‌نظرهای موجود در این مورد که آیا اصل احتیاطی به‌عنوان یک اصل یا یک قاعده الزام‌آور حقوق بین‌الملل عرفی است اهمیت کمی در مورد اجرای این اصل دارد. لذا نکته‌ای که در این موقعیت دارای اهمیت اساسی است، پذیرش این امر است که اصل و رویه احتیاطی مستلزم تحمیل محدودیت نسبت به پاره‌ای از فعالیت‌هایی است که می‌تواند دارای آثار زیان‌آور بر محیط زیست باشد، حتی اگر علم نتواند آثار مضر آن فعالیت‌ها را به‌طور صریح و صحیح پیشگویی کند.

منابع

فارسی

۱. کیس، الکساندر، ۱۳۷۹، *حقوق محیط زیست*، مترجم محمدحسن حبیبی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. گروه صلح کرسی حقوق سبز، صلح و دموکراسی یونسکو، ۱۳۸۹، *حقوق زیست‌محیطی* بشر، تهران، نشر دادگستر.
۳. وکل، فیلیپ، ۱۳۸۷، همسویی حقوق معاهدات و مسئولیت بین‌الملل در پرتو رأی ۲۵ سپتامبر دیوان بین‌الملل دادگستری، مترجم سید علی هنجنی، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۱۸۳ تا ۲۲۹.

انگلیسی

A) Books

1. Birnie, Patricia W. and Alan E. Boyle (1995) International Law and The Environment, Oxford, Oxford University Press, First Edition.
2. Hey, E., The Protection of Marine Ecosystem, Science Technology and International Law, (1997), Haug Yearbook of International Law.
3. Kiss, Alexander and Shelton, Dinah, (2007), Guide to International Environmental Law, Martinus Nijhoff Publisher.
4. Kumar, K.S. Kavi, Dissemination Paper.8, Center of Excellence in Environmental Economics, 2011, Madras School of Economics.
5. Sands, Philipp, Principles of International Environmental Law, (2003), Second Edition, Cambridge University Press.
6. Sands, Philipp, Pleading and the Pursuit of International Law, Nuclear Test II, (New Zealand v France), (1998), In A. Anghie and G. Struggess edition.
7. Sirinskien, Agn, The Status of Precautionary Principle Moving towards A Rule of Customary Law (2009), Mykolas Romeris University Faculty of Law.

B) Articles

1. Cameron, James, Abouchar, Juli, "The Precautionary Principle: A Fundamental Principle of Law and Policy For The Protection of Global Environment" (1991), Boston College International Law Comparative Law Review, Vol.14.
2. Fitzmaurice, Malgosia, "The Gabacikovo-Nagymaros Case The Law of Treaties" (1998), Leiden Journal of International Law, Vol.11.
3. Hickey, J and VR. Walker, "Refining the Precautionary Principle in International Environmental Law" (1997), Va Env'tl. Lj.
4. Recuerda Miguela, "Risk and Reason in the European Law", (2006) European Food and Feed Law Review.5.
5. Solgan, L., "The General Obligation to Prevent transboundary Harm and its Relation to four key Environmental Principles", (1997), Austrian Review of International and European Law, Vol.3.
6. Wybeth, Dom, "The Precautionary Principle", (1996), Asser Institute Icelandic Legal Journal, Vol.49.

C) Internet Site

1. Commentaries to the Drafts Articles on Responsibility of State for Internationally wrongful act, Adopted by the International Law Commission at its fifty-third Session, (2001) Available at: <http://www.wils.aorg/jessup06/basicmats2/DASRcomm.pdf>.pp.1-308.
2. United Nations Environment Programme, training Manual International Environmental Law, Available at: <http://www.wunep.org>.
3. <http://untreaty.un.org>
4. http://en.wikipedia.org/wiki/precautionary_principle.
5. <http://www.wicj-cij.org/docket/files/97/7187.pdf>.
6. <http://corn.etnak~/lmalten/uweeram.shtml>.

D) Documents

1. Convention for the conservation of southern Bluefin tuna, Adopted 10 May, 1993.

2. Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment, 1972.
3. IAEA Convention on Third Party Liability in the Field of Nuclear Energy, 1960.
4. Convention on Environmental Impact Assessment in a transboundary context (Espoo Convention), 1991.
5. Montreal Protocol on Substances that Deplete the Ozone Layer, Montreal, September 16, 1987.
6. Rio Declaration on Environment and Development, 1992.
7. United Nations Framework Convention on Climate Change, New York, May 9, 1992.
8. Convention on Biological Diversity, Rio de Janeiro, 1992.
9. Convention on Long-Range Transboundary Air Pollution, Geneva, November 13, 1979.
10. Stockholm Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment, June 16, 1972.
11. The 1972 World Heritage Convention.
12. Cartagena Protocol on Biosafety, 2000.
13. Stockholm Convention on Persistent Organic Pollutants, Stockholm, May 22, 2001.

E) Cases

1. Gabčíkovo – Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), 1997
2. Case concerning Aerial Herbicide Spraying (Ecuador v. Colombia), 2008
3. Case concerning pulp mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), 2007
4. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996.

